

♀ Sārumtā	خیال.	صارومتا
♂ Sāyārā		بُرنده، تیز، صایارا
♀ Sāyurtā	ع عاریلا	صورتگر، نقاش، صایورتا
♀ Sepitā	ع عمانو ایل	صورتگر، چهره پرداز، صپیستا
♂ Sadidah	ع عنانا	پاک، منزّه، صدیده
♀ Serā	ع چوپانی که به آسمان صعود کرد.	صیرا
♂ Semxa	ع عود یسین	صمخه
♂ Sovapia	ع خدمتگزار سین (ماه).	اشته، نور، صویپه
♀ Saveta	ع عود یسوع	سپردن، صوته
♂ Sevyānā	ع خدمتگزار مسیح.	به رضای خدا، صویانا
♀ Sortā	ع عودیل	رضای خدا، صورتا
♀ Sulama	ع عهدتا	تصویر، تابلو، صولمه
♀ Somā	ع یادشده.	تصویر کردن، صوما
♀ Sirtā	ع قاصلا	روزه، صیرتا
	ع خوشه گندم.	
	ع قاطینا	
	ع تیزهوش، زیبا.	
	ع قاطینتا	
	ع زیبا و تیزهوش.	
	ع قسمته	

♂ Galipa, Gilipta	جذاب، گلیپه، گی لیپته	♂ Qudama	خال، فودمه
♂ Gamri-il	برگزیده، گمری ایل	♂ Qulasa	سرآغاز، مقدم، قولسه
♀ Gozāltā	خدای کامل کننده، گوزالتا		شکرانه.
♀ Gula	شعله آتش، گوله	♂ Kāširā	کاشیرا
♀ Gixukta	الاهه تولد کودک، گی خو کته	♂ Kesnayah	ماهر، کسنیه
♂ Gilgameš	خنده رو، گیل گمش	♀ Knixta	پری دزیایی، کنیخته
	پادشاه اوروک و پهلوان خردمند که دو هزار سال قبل از میلاد می زیسته است. حماسه منظوم و معروف او در الواحی دوازده گانه از گل، شامل مضامین عشق، تربیت و مظاهر طبیعت مثل کوه، دشت، دریا، سیل و راز تولد و مرگ و غیره ثبت و باقی مانده است.	♂ Kuxada	مشهور، معروف، کوخده
		♀ Koxva	احترام، کوخوه
		♂ Koxvabel	ستاره، کوخوه بل
♂ Lebiaw	دلیر، شجاع، لیبو	♂ Kimona	ستاره مشتری، کیمونه
♂ Lugul bāndā	لو گول باندا		توفان.
	سومین شاه دودمان اوروک، خدا و شبان بوده و از محافظین گیل گمش نیز محسوب می شد.	♂ Gabri'il	گ گبری ایل
♀ Lauyuta	شیرزن، لویوته	♂ Garuša	خدای مقتدر، گروهه

♂ Mutrānā	موترانا	♀ Laowite	له‌اویته
	ثمربخش.		حافظ و امین.
<b>ن</b>			
♂ Nādinus	نادینوس	♀ Māb'ānitā	ماب‌عانیتا
	شاه بابل.		خلاق، زایا.
♂ Nārāmsin	ناراهسین	♂ Mābu'ā	مابوعا
	محبوب سین (خدای ماه).		سرچشمه.
♀ Nāzāntā	نازانتا	♀ Mārinā	مارینا
	طناز، عشوه‌گر.		صاحب.
♂ Nāhrin	ناهرین	♂ Matula	متوله
	نهرها.		قصه‌گو، راوی.
♀ Nāhrinā	ناهرینا	♀ Mxirtā	مخیرتا
	نهرها.		نامزد، خواسته شده.
♂ Nāhirā	ناهیرا	♂ Madnexa	مدنخه
	روشنایی، نور.		مشرق، ستاره مشرق.
♂ Nāhirsin	ناهیرسین	♂ Marā'il	مراایل
	روشنایی ماه.		خدایی که صاحب من است.
♂ Nebbo	نَبُو	♀ Marta	مَرْتَه
	پسر خدا، عطارد.		بانو، خانم.
♀ Nergāl	نِرگال	♂ Marduk	مردوک
	مظهر خدای زیرزمین که گاه همسر «ایرش کی‌گال» نیز نامیده می‌شود.		مشرقی.
♀ Nasuvta	نَسُوته	♀ Marganita	مَرگنیتَه
	پذیرفته شده.		مروارید.
♂ Namrud	نمرود	♂ Mašaxa	مشخه
	نخستین شاه بابل که سه شهر «ایریج»،		شاعر.

	پایتخت قوم آشور.		«اخذ»، و «کالتا» را بنا نهاد.
♂ Ninortā	نینورتا	♀ Norānāyā	نورانا یا
	نام بعدی «نین‌گرسو» پهلوان و خدای جنگ، باد جنوبی، خدای چاهها و قناتها و آبیاری.		آذرین، چیزی که نورانی باشد را آشوریان چنین می‌خوانند.
♂ Ninip	نی‌نیپ	♂ Nisrey	نیسری
	زحل.		احتمالاً به معنای کوه رستگاری و گاه آن را همان سلسله جبال جنوبی «پیرعمان قادران» در «زب» سفلی و یا آرارات و شمال دریاچه وان می‌پندارند.
		♀ Nin	نین
			بانو.
♂ Vādā	وادا	♀ Ninsān	نین‌سان
	مکان مقدس.		مادر گیل‌گمش، الهه کم‌منزلتی که در اوروک می‌زیست و فقط به دلیل عقل و خرد شهره بود.
♂ Varda	وَرَدَه	♀ Ninki	نین‌کی
	گل.		مادر آنلیل.
♂ Vardin	وَرَدین	♂ Ninkizidā	نین‌کی‌زیدا
	گل‌های بسیار.		خدای برکت که به عنوان «سرور درخت حیات» نامیده می‌شود.
			نین‌گال
	وَرَدینَه، وَرَدینَه	♀ Ningāl	نین‌گال
			همسر خدای ماه و مادر آفتاب.
♀ Vardina, Vardiya	گل.	♂ Ningersu	نین‌گِرسو
			در آغاز «نینورتا» را چنین می‌نامیده‌اند و خدای آبیاری و برکت است.
♂ Vašma	وَشْمَه	♀ Ninlil	نین‌لیل
	سنگ عقیق.		الهه ارض و سما در قعر زمین خود، همسر آنلیل بوده و مادر ماه. در شهر نیور پرستش می‌کردند.
♀ Valita	ولیتَه		نینوا، نینوه
	وظیفه.		الهه ارض و سما در قعر زمین خود، همسر آنلیل بوده و مادر ماه. در شهر نیور پرستش می‌کردند.
			نینوا، نینوه
♂ Hādersin	هادرسین	♀ Ninavā, Ninave	نینوا، نینوه
	آماده شده به دست خدای سین (ماه).		نینوا، نینوه
♀ Hāniš	هانیش		

♂ Yavbil	یوبیل دادهٔ خدای بیل.	ندای الهی که توفان و هوای بد را خیر می‌داد.
♂ Yutrānā	یوترانا فایده.	هَبوه شکوفه.
♂ Yavsin	یوسین دادهٔ خدای سین.	هَدیره آماده.
	♂ Havel	هول خداداد.

## نوای نامهای داوودی در دامنه‌های ایران

یهودی یا کلیمی یا موسوی یا عبرانی یا بنی‌اسرائیل نام قومی از نسل ابراهیم پیامبر است که از دیرباز در فلسطین (یهودا) ساکن شدند. در اوایل سدهٔ ششم قبل از مسیح نبوخذنصر (بُخْت‌النصر) (Nebuxad) یهودیان را به اسارت به بابل برد. اما در سال ۵۳۷ ق. م کورش هخامنشی، پادشاه ایران، آنان را آزاد و روانهٔ فلسطین کرد و در بازسازی معبد آنان در اورشلیم کوشید. بعدها در جریان حوادث تاریخی، انبوهی از یهودیان، فلسطین را ترک گفتند و در جهان پراکنده شدند.

زبان اصیل یهودیان، عبری است. عبری یکی از زبانهای سامی و جزء شاخهٔ کنعانی است. خط عبری دارای ۲۲ حرف است و از راست به چپ نوشته می‌شود. کتاب دینی یهود، عهد عتیق یا تورات، به عبری نوشته شده است. کتیبه‌های عبری معدودی هم باقی مانده است.

در ایران نزدیک ۴۰,۰۰۰ یهودی به سر می‌برند. برخی از شهرها مانند کاشان و اصفهان و همدان از مراکز مهم یهودیان بوده است، چنانکه کاشان را «اورشلیم کوچک» می‌خوانده‌اند. معمولاً در گذشته اقلیت یهودی در هر شهر به دور از مسلمین، در محله‌ای اختصاصی به سر می‌بردند و برای حفظ موجودیت خود، در حفظ آداب و رسوم سختگیری می‌کردند. با این وصف از تأثیر فرهنگ ایرانی بر کنار نمانده‌اند.

## ی

♂ Yādā	یادا نشان.
♂ Yādidā	یادیدا دوست داشته شده.
♂ Yaqunda	یَقونده یاقت.
♂ Yalda	یَلده ترکد.
♀ Yamta	یَمته دریاچه.
♂ Yamita	یَمیته مقدس.
♂ Yav-ala	یواله خداداد.
♂ Yubārātoni	یوباراتونی از شاهان «شوروپاک» و پدر «اوتناپشیم» تنها شاه کیش.

در طی اقامت یهودیان در ایران حوادث خطیری برای این قوم پیش آمده است از جمله این وقایع واقعه «استر و مردخای» است. مطابق شرحی که در یکی از فصول کتاب عهد عتیق آمده است، خشایارشا یک دختر یهودی به نام استر را که خویشاوند او به نام مردخای در دربار کار می‌کرد، جانشین ملکه خود، وشتی (Vašti) گردانید.

در رشته‌های علمی و هنری، نامدارانی از قوم یهود برخاسته‌اند. داوود، پادشاه و پیامبر بنی‌اسرائیل، خود، غزل‌سرایی ماهر و چنگ‌نوازی چیره‌دست بود. لحن داوودی منسوب به او است. بخشی از نمازهای روزانه یهودیان همراه با سرودهای داوود نبی است. در زمان شکوه بیت‌المقدس در حدود سی ابزار موسیقی وجود داشته و سرودهای داوود همراه با ساز، ترنم می‌شده است؛ هم‌اکنون نیز قسمتهایی از نمازهای روزانه، خصوصاً نمازهای اعیاد یهودیان، با آهنگهایی مخصوص که یادگار دوران شکوه بیت‌المقدس است، اجرا می‌شود.

اولین فرمانی که از آسمان نازل شد- و در تورات مقدس مذکور است- ازدواج دختران و پسران و دوّمین فرمان، ختنه کردن پسران در روز هشتم تولد است. در هشتمین روز تولد در طی مراسم که با حضور معتمدین خانواده‌های پدری و مادری و حداقل ده مرد سیزده سال به بالا تشکیل می‌شود. خاخام (رهبر مذهبی) پسر هشت روزه را که معمولاً در روی دامن پدر بزرگ و در صورت نبودن پدر بزرگ در روی دامن پدر یا یکی از افراد سالمند حاضر در مجلس قرار داده شده است، ختنه می‌کند و در ضمن انجام ختنه، متنی را بیان می‌کند که برگردان فارسی آن چنین است: «متبارک باد نام تو ای خداوند خالق ما- سلطان عالم که عزیزی را در بطن مادر تقدیس نموده و مقرر فرموده‌ای که عهد و پیمان با تو در بدنش قرارداده شود و در گوشت تنش مهر گردد. خداوند خالق پدران ما، این بچه را برای

والدینش نگه دارد و اسم او در میان ملت یهود... (در این هنگام نام پسر به توسط خاخام از پدر سؤال و ذکر می‌گردد)... خوانده شود. چنانکه در کتب مقدسه مذکور است والدینش از او شادمان شوند و خداوند او را بزرگ کند و به آموزش تورات و اعمال نیک پردازد و به حجله دامادی وارد شود. ان‌شاءالله رضایت خداوند بر این قرار گیرد.»

هنگام نامگذاری اگر پدر بزرگ پسر نورسیده در قید حیات نباشد معمولاً نام او را بر نوزاد می‌گذارند.

در ضمن نامگذاری دختر آیاتی از تورات تلاوت می‌شود، بدین شرح: «ای کبوتر من که در شکاف صخره پنهان و در حال تکوین هستی، چهره‌ات را به من بنما و صدایت را به من برسان، زیرا آهنگ کلامت لذت‌بخش و گونه‌ات زیباست. دختران او را خواهند دید و او را تمجید خواهند کرد، خداوندی که مادران مقدس یهود را برکت داد، این دختر قشنگ را برکت دهد و اسم او... خوانده شود، خداوند اقبال خوب نصیب او کند، خداوند او را بزرگ کند و سلامتی و آسودگی به او عنایت فرماید و والدین او را موفق گرداند که شادکامی و حجله عروسی او را ببینند. خداوند او را موفق گرداند که فرزندان لایق همراه با عزت و آبرو به دنیا بیاورد. ان‌شاءالله این دعا مورد رضایت خداوند قرار گیرد.»

کلیمیان ایران بر اثر آمیزش با فرهنگ ایرانی در نامگذاری فرزندان خود غالباً از نامهای ایرانی استفاده می‌کنند. باید گفت که زبان کلیمیان، در خانواده، زبان فارسی است، ولی نماز به زبان عبری خوانده می‌شود.



مبارک. کاتب و دوست مخلص بیرمیای نبی.

## بالاق

♂ Bālāq

شاه موات.

## بَت سابه

♀ Batsābe

زنی که مجذوب حضرت داوود شد.

## برسابا

♂ Bersābā

کسی که میان او و وستی قرعه افکندند تا یکی از آن دو قائم مقام یهودا شود.

## برنیکی

♀ Berniki

دختر اغریاس کبیر، خواهر شاه یهود.

## بَعشا

♂ Bašā

شجاعت. بعشاین‌اخیا از سیط سیاکر بود.

## بلقیس

♀ Belqais

ملکه شهر سبا، معاصر سلیمان پسر داوود که به ملاقات او رفت.

## بنایا

♂ Benāyā

خدا آفرید.

## بنایاهو

♂ Benāyāhu

پسر دلیر کاهن بزرگ عهد داوید.

## بنهدد

♂ Benhadad

نام چند تن از شاهان دمشق.

## بیلدد

♂ Bildad

پسر دشمنی. یکی از سه تسلیت دهنده ایوب.

## بینیامین

♂ Binyāmin

پسر دست راست. پسر یعقوب پیامبر و برادر یوسف.

## پ

## پریسکلا

♀ Periskelā

زنی شهره در پرهیزکاری.

## پینحاس

♂ Pinhās

نواده هارون.

## ت

## تایتا

♀ Tābitā

آهر. بانویی از شاگردان مسیح.

## تامار

♀ Tāmār

نخل خرما. زنی که با دو تن از فرزندان یهودا ازدواج کرد.

## تاوَر

♂ Tāvor

تل بلند. نام کوهی است.

## تدی

♂ Tadi

سینه. لقب یهودا.

## ترافیم

♀ Terāfim

خوشبختی‌ها.

## ح

## حاشوم

♂ Hāšum

ثروتمند.

## حانان

♂ Hānān

رحیم. یکی از دلیران داوید.

## حانون

♂ Hānun

صاحب نعمت.

## حَنّا

♀ Hanā

مادر شموئیل.

## حَنّیا

♂ Hananyā

کسی که خداوند دوستش داشت.

## د

## داتان

♂ Dātān

یکی از رؤسای یهود.

## دان

♂ Dān

داور. یکی از پسران یعقوب.

## دانی‌ال

♂ Dāniel

خدا حاکم من است. پیامبری از نسل داوید.

## داوید

♂ Dāvid

محبوب. دومین پادشاه بنی‌اسرائیل.

## دلایلا، دلّیله

♀ Delilā, Delile

معشوقه. زنی که سبب گرفتارشدن شمشون به دست دشمنانش گردید.

## دوْرا

♀ Devorā

زنور عسل. یگانه زنی که به مقام داوری رسید.

## دینا

♀ Dinā

واژه‌ای است فارسی برگرفته از دَئِنَه (Daéne) به معنای وجدان که همان واژه دین است، تنها دختر یعقوب پیغمبر.

## ر

## رئوون

♂ Reoven

پسر ارشد یعقوب.

## راهل

♀ Rāhel

گوسفند ماده. دخت لاوان و مادر بنیامین و یوسف.

## رایا

♂ Rāyā

آنکه خداوند به او توجه دارد.

## رفایا

♂ Refāyā

شفادهنده‌خدا. شخصی از نسل داوید.

## رمیلیا

♂ Remiliā

کسی که خدا او را ستوده است.

## ریوقا

♀ Rivqā

همسر اسحاق و مادر یعقوب.

## ریوکا، ربیکا

♀ Rivkā, Rebekā

نام همسر حضرت اسحاق، پسر حضرت ابراهیم.

## ز

## زروباول

♂ Zerobāvel

شاهزاده‌ای از خاندان داوید.

## زیلپا

♀ Zilpā

مادر دو تن از پسران یعقوب.

## س

## سارا(ی)

♀ Sārā(y)

ناب. امیریه من. همسر ابراهیم خلیل و

مادر اسحاق.

♂ Šem'ayā شمعیَا  
خداوندا بشنو. از علمای یهود.

♀ Sāra ساره

♂ Šemuel شمُوئِل  
نام او خدا. رئیس بنی‌شمعون.

♀ Sālome سالومه

دختر هرود فیلیپ و هرود یاد، ملکه یهود.

♀ Šušān, šuš شوشَن، شوش  
شهر باستانی، مقر داریوش اول هخامنشی.

♂ Serāyā سرایا

سرباز خدا. یکی از کاتبان داوید. نیز، کاهن بزرگی که به دست نبوخذ نصر گرفتار شد.

♀ Šulamit شولمیت  
کامل شدن.

♂ Sisirā سیسرا

سردار لشکر یاوین که به حیل به قتل رسید.

♂ Šumer شوْمِر  
نگاهدارنده. پدر یهودا بود که یوآش را کشت.

## ش

♂ Šilo شیلو  
منجی بشریت.

♂ Šā'u'l شائول

مطلوب. اولین پادشاه اسرائیل.

♂ Šimšun شیمشون  
مثل خورشید. قاضی عبرانیان، مردی زورمند و دلیر بود و رمز شجاعت او را در موهایش می‌دانستند. نیز، شمشون در موهایش می‌دانستند. نیز، شمشون (Šamšun) یا سمسون (Samson).

♂ Šāfer شافر

زیبا. کوهی در دشت عربستان که یکی از قرارگاههای بنی‌اسرائیل بود.

♂ Šālem شالم

صلح.

## ص

♀ Sipurā صیپورا  
گنجشک ماده. نام همسر حضرت موسی.

♂ Šabnā شَبْنَا

جوان. یکی از نزدیکان حزقیال پادشاه.

♂ Sidqiā صیدقیَا  
آخرین شاه یهودا.

♂ Šet شِت

پسر سوم آدم و حوا.

♂ Šadrax شَدْرَخ  
پادشاه من.

♂ Šem شِم

شیم

♂ Tālut طالوت  
نخستین پادشاه یهود، به عبری شائول  
فرزند ارشد نوح که با همسرش به کشتی رفت و از توفان بزرگ رهایی یافت.

(Ša'u'l) به معنای مطلوب.

## گ

♂ Gomer گِمِر  
کامل. نخستین زاده یفت، پسر نوح.

## ع

♂ 'Asāiil عسائیل  
کسی که خالقش خدا است. خواهرزاده داوید.

♂ Gavri-el گَوْرِي اِل  
مرد خدا. یکی از فرشتگان مقرب.

## ل

♂ Lāmak لامک  
قوی.

## ف

♂ Lāvān لَوَان  
سفید. پدرزن یعقوب.

♂ Fikul فیکول  
قوی. شهریار فلسطینیان.

♂ Lemo-el لِمُوئِل  
مقدس خدا. احتمالاً سلیمان.

♂ Fileks فیلِکس  
خوشبخت. والی یهود.

♂ Levi, Lāvi لَوِي، لَوِي  
همراه. سومین پسر یعقوب.

## ق

♂ Qaiin قَئین  
دستاورد. پسر ارشد آدم و حوا که به دست برادرش کشته شد.

♂ Matānā مَتَانَا  
هدیه. یکی از قرارگاههای بنی‌اسرائیل.

♂ Qedrun قَدرون  
سیاه. وادی النَّار، دره عمیق در شرق بیت‌المقدس.

♂ Matatiyā مَتَتِيَا  
بخشش خدا، خداداد.

♂ Qiāfā قِيَافَا  
رئیس کاهنان یهود.

♂ Medād مَدَاد  
محبت، برادر الداد.

♂ Qiš قِيش  
پدر شائول.

♂ Mertā مَرْتَا  
خداوند پرورنده.

♂ Mordexai مُرْدَخَاي

♂ Yāvān	یاوان	اسیر یهودی از خانواده شاول مربی هدسا و نویسنده کتاب استر.
♂ Yahazqel	یَحْزَقِل	میخائیل کیست مانند خدا. یکی از چهار فرشته مقرب.
♀ Yo-xeved	یُخِوَد	میر یام تلخی دریا. خواهر حضرت موسی.
♂ Yrihu	یریحو	مکان خوشبو. شهری پرشکوه در وادی اردن.
♂ Yazniā	یَزَنیا	ناتان بخشش، پیشکش. نام پیامبری در زمان داوود و سلیمان.
♂ Yošiyā	یُشیا	خدا نجات. پسر و جانشین آمون، در تقوی و پرهیزکاری شهره بود.
♂ Yašimšon	یَشیمشون	هارا کوهستان. مکانی در ناحیه غربی آشور.
♂ Yašim'on	یَشیمعون	هدسا درخت مورد.
♀ Yonā	یُنا	هیرو دیا دختر هیرو دیس، مادر سالومه.
♂ Yonātān	یُناتان	
♂ Yo'āš	یوآش	یاثیر آنکه خداوند منورش گردانده. پهلوانی در عصر موسی.
♂ Yo'āv	یوآو	یاسون شفا دهند. مردی از اهالی تسالونیک، از خویشان پوس.
♂ Yo'el	یوآل	

## ن

## ه

## ی

	خداداد.
♂ Yotām	یوتام
	خدا کامل است. پسر کوچک گیدعن.
♀ Yuše'	یوشع
	از پیامبران بنی اسرائیل.
♂ Yehošu'a	یهوشوع
	جانشین موسی.
♂ Yirmeyā	یرمیا
	یکی از پیامبران اعظم عهد عتیق.

## زنگ نامها از ناقوس کلیساهای ارمن

ارمنستان فعلی، بخشی از سرزمین ارمنستان قدیم است که در قفقاز و شمال غربی ایران و در جایی که ایران با شوروی و ترکیه هم‌مرز است واقع شده است. ارمنستان یکی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی است. از شمال به جمهوری گرجستان، از جنوب به ایران، از شرق به جمهوری آذربایجان شوروی و از مغرب به کشور ترکیه محدود می‌شود. مرکز آن، شهر باستانی ایروان (yerevan) است که بنای آن به ۷۸۲ سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد.

ارامنه از نژاد هند و اروپایی و خانواده آریایی و شاخه «آرمن» هستند که اسلاف آنها در حدود پانزده قرن قبل از میلاد مسیح از مناطق آسیای مرکزی به کناره‌های رودخانه سند مهاجرت کردند و مدتی بعد، از آنجا به بین‌النهرین رفتند و سرانجام، پس از چندی، آن سرزمین را به سوی سلسله جبال قفقاز رها ساخته، در دامنه‌های این کوهستان سکونت گزیدند.

ارمنستان، که خاستگاه اصلی ارامنه جهان است، از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح جزئی از خاک ایران به‌شمار می‌آمده که در کتیبه داریوش در بیستون نیز از آن به عنوان «ارمنیه» و جزئی از سرزمین پارس یاد شده است. ایرانیان و ارامنه بیش از دو هزار سال در کنار یکدیگر می‌زیستند و هرچند بر اثر پاره‌ای از وقایع، از جمله هجوم اقوام و ملل دیگر، مدتی از هم جدا افتادند، اما رشته پیوند دیرین خود را همچنان حفظ کردند. سرانجام در زمان صفویه، بر اثر جنگ‌های

خونین ایرانی و عثمانی، گروه کثیری از ارامنه به ایران مهاجرت داده شدند. و در بخشهایی از ایران چون اصفهان، آذربایجان، فارس، گیلان، مازندران و خراسان سکنی گزیدند. شمار ارمیان ایران به ۲۰۰,۰۰۰ می‌رسد.

ارامنه در جهان اولین ملتی بودند که دین حضرت مسیح را پذیرفتند و نخستین کلیسا را به نام «کلیسای ملی حواریون ارمنی» بنا کردند. این مذهب توسط دو تن از حواریون حضرت مسیح به نامهای تادئوس Tade'us و باردوغمئوس Bardoqime'os در ارمنستان معرفی و به مدت دو قرن مخفیانه تبلیغ شد. بعدها در سال ۳۰۱ میلادی توسط گریگور منور رسمیت یافت. از این‌رو مسیحیان ارمنی را گریگوریان نیز می‌گویند.

ارامنه به رغم وفاداری عمیق به آداب و رسوم قومی و ملی و دینی خویش، جزء آن گروه از مردم ایران به‌شمار می‌آیند که همواره خود را با زمان و پیشرفتهای آن تطبیق می‌دهند و اکثراً به دنبال مشاغل و حرفه‌های موردنیاز جامعه می‌روند. هموطنان ارمنی در پیشرفت صنایع، هنرهای ظریف و موسیقی و تئاتر سهم بسزایی داشته‌اند. موسیقی در نزد ارامنه از هنرهای مورد توجه است و کمتر خانواده‌ای است که به نواختن یک ساز آشنایی نداشته باشد. برای نشان دادن اهمیت نقش ارامنه در اجتماع ایران کافی است یادآور شویم که اولین کتاب در ایران و خاورمیانه در سال ۱۶۳۸ به زبان ارمنی در جلفای اصفهان به چاپ رسیده است.

زبان ارمنی، از زبانهای هند و اروپایی رایج در ارمنستان و دارای کلمات فراوان پارتی و پهلوی و واژه‌های تغییر یافته‌ای از زبان عبری و یونانی است. ارامنه از چند هزار سال قبل تا کنون با همین زبان سخن می‌گویند.

نام نوزاد در گذشته توسط پدربزرگ یا مادربزرگ و یا کشیش تعمیددهنده انتخاب می‌شد یا اگر روز نامگذاری مصادف با یک روز

دینی بود، نام پارسایی را که به آن روز ارتباط داشت روی نوزاد می‌نهادند. این آیین هنوز هم در بین برخی از ارامنه طرفدارانی دارد، اما بیشتر پدر و مادران جوان ترجیح می‌دهند خود، نام مورد علاقه‌شان را بر فرزندشان بگذارند. آیین نامگذاری در کلیسا برگزار می‌شود. درحالی که جوانی که «ساقدوش» طفل به‌شمار می‌رود، نوزاد را در آغوش می‌گیرد و کشیش در طی مراسمی طفل را تعمید می‌دهد و نامگذاری می‌کند.

اسامی مطلوب ارامنه به قهرمانان قومی و ملی و دینی و شاعران و مردان برجسته ارمنی تعلق دارند. نامهای برگرفته از طبیعت مانند باد و طوفان و عقاب و... نیز مورد علاقه آنها است.

برخی از الفاظ ارمنی دارای حروف ترکیبی هستند و در این بخش علاوه بر حروف اصلی کتاب به کار گرفته شده‌اند که عبارتند از:

مثال	صد	حروف
کارینه Gkārīne (از زنان مشهور ارمنی)	ک	Gk
دزوینار Dzovinār (دریا)	دز	Dz
تسویک Tsoqigk (شبنم)	تن	Ts
تیگران Dtigrān (از شاهان ارمنستان)	ت	Dt
بارکو Bpārkev (هدیه)	بپ	Bp

♀	Āngine	آنگینه	فرزند بزرگ، نخستین.	برزرگر؛ مخفف آریستاکیس (Aristakes).
♀	Ānuš	آنوش	بی‌ماند.	آرین
♂	Ānušāvan	آنوشاوان	شیرین.	نام قلمه‌ای است در ارمنستان.
♀	Āni	آنی	روح فناپذیر.	آریودز
♂	Āvedtis	آودیس	از پایتختهای قدیم ارمنستان.	شیر، (درنده).
♀	Āytzemnigk	آیتزمینیک	مژده، نوید.	آزادت
				آزاد.
♂	Onnigk	اونیک	دختر ظریف.	آزادوهی
				مؤنث آزادت.
♂	Išxān	ایشخان	مطبخ خدا. (مخفف هوانس Havānes).	آسپد
♀	Išxānuhi	ایشخانوهی	شاهزاده.	جنگجوی سواره.
				آستقیگ
				اختر، ستاره کوچک.
				آشخن
				خاکستری رنگ.
♂	Bābpgken	بابگن	موتبخ خدا. (مخفف هوانس Havānes).	آقاوتی
				کیوتر.
♂	Bpärtev	بارتو	موتبخ ایشخان.	آلنوش
				عروس جاودانی دریا.
				آلیگ
				موج.
				آمادونی
				آمدنی.
				آناهید
				پاک.
				آندرانیک

♀	Āršāluys	آرشالوئیس	مؤنث آرسن.	
♂	Āršām	آرشام	سپیده‌دم.	
♂	Āršāvir	آرشاویر	خرس قوی.	
♂	Āregk	آرگ	مرد مبارز.	
♀	Āregknāz	آرگ‌ناز	خورشید.	
♂	Ārmāiis	آرمائیس	ناز خورشید.	
♂	Ārmān	آرمان	آرمائیس	
			آرزو.	
♂	Ārmen	آرمن	آرمان	
			ارمنی.	
♂	Ārmenāgk	آرمناک	از بزرگان قوم ارمنه.	
♀	Ārmine	آرمینه	دختر ارمنی.	
♀	Ārev	آرو	خورشید.	
♀	Ārusiyāgk	آروسیاگ	ونوس.	
♀	Ārevigk	آرویک	خورشید کوچک.	
♂	Āris	آریس	مرد مبارز. (ریشه عبری دارد).	
			آرسینه	
♂	Ārā	آرا	از رادمردان ارمنستان.	
♂	Ārārād	آرارات	نام کوهی در ارمنستان.	
♂	Ārāmāzd	آرامازد	اورمزد، هرمز.	
♂	Ārbi	آربی	مجازاً سرمست.	
♀	Ārpi	آرپی	خورشید.	
♂	Ārpiyār	آرپیاری	(از آرپی و آیر) به معنای مرد خورشید.	
♂	Ārtem, Ārtes	آرتم، آرتس	مخفف هاروتیون Hārution، به معنای رستاخیز.	
♀	Ārdtemis	آرتمیس	یکی از خدایان.	
♂	Ārdāgk	آرداک	اردوان.	
♂	Ārdziv	آردزیو	عقاب.	
♂	Ārsen	آرسن	مرد مبارز. (ریشه عبری دارد).	
♀	Ārsine	آرسینه		

♂ Toriqk	توریک	کسی که با گامهای درست آمد.
♂ Dtrdādt	دردتات	شمشیر کوچک.
♀ Titerr	تیتیر	نخستین شاه ارمنستان که مسیحیت را اعلام داشت؛ همان تیرداد.
♂ Derenigk	درنیک	پروانه.
♂ Dro	دزو	تیگران
♀ Dzāmosgki	دزاموسکی	از شاهان ارمنستان و دوست صمیمی داریوش کبیر.
♀ Dzovinār	دزووینار	تیگرانوهی
♀ Dstrigk	دستریک	موتث تیگران.
♀ Ditsuhi	دیتسوهی	خ
♂ Rāzmigk	رازمیک	خاچیک
♂ Rrāfi	رافی	صلیب کوچک.
♂ Rruben	روبن	خازاک
♀ Rubinā	روبینا	زیبا.
	گشاده روح.	خورن
		ژرف، ژرفا. (از ریشه خورشید فارسی).
		د
		داتو
		قدیمی‌ترین کلیسای ارمنیان در ارمنستان.
		دالار
		سرسبز، خرم.
		داویت
		داوود.
		دراستامات

♂ Bārsq	بارسق	زینا اندام.
♂ Pānos	پانوس	بارسق
♂ Pāylāgk	پایلاک	پادشاه.
♀ Pāylik	پایلیک	بارکو
♂ Petros	پطروس	هدیه.
♀ Bāligk	بالیک	بارویر
♀ Bāydzār	بایدزار	دوره.
♂ Bperj	برج	باغداسار
♀ Bperjuhi	برجوهی	یکی از سه اخترشناس که هنگام تولد حضرت مسیح برای او هدیه آوردند.
♀ Bpergkruhi	برکروهی	کودک، فرزند کوچک.
♂ Bpoqos	بوغوس	تاباک.
♀ Tsoçiqik	تسویک	برج
♂ Tselāgk	تسولاک	تزیین شده.
♀ Tuzdzam	توخذرام	برجوهی
		موتث برج.
		برکروهی
		شادی.
		بوغوس
		کوچک. از مخالفین حضرت مسیح که بعداً به او ایمان آورد و از پیروان وی شد. (ریشه یونانی دارد).
		بیورغ
		بلور.
		بیورقیک
		زالال، تمیز، پاک، بلور.

♂ Širāgk	شیراک	♀ Sirānuš	سیرانوش
	نام استانی در ارمنستان.		عشق شیرین.
		♂ Simon	سیمون
			مطیع.
<b>غ</b>			
♂ Qukās	غو کاس		
	به معنای رستاخیز. از حواریون حضرت مسیح.		
<b>ک</b>			
	کاجیک (کاجونی)	♀ Šārā	شارا
			رب التوع.
		♂ Šānt	شانت
			رعد.
♂ Kājigk (Kājuni)	کاجونیک	♂ Šāvārš	شاورش
	جسور.		دارای اسپهای سیاه زیاد.
♀ Gkādārīne	کادارینه	♂ Šāvāsb	شوااسب
	نمیز و پاک.		اسب سیاه.
♂ Gkāren	کارن	♂ Šāhen	شاهن
	از نجیب‌زادگان.		شاهین.
♂ Gkāro	کارو	♀ Šegkdzām	شگدزام
	راهنما. مخفف کاراپت Kārāpet.		سیه مو.
♀ Gkārīne	کارینه	♂ Šemāvon	شماون
	برگرفته شده از نام گیاهانه.		همان سیمون است.
♂ Gkāytzāgk	کایتراک	♀ Šnurhīgk	شنورهیک
	تندر.		وقار، باسلیقه.
♀ Knār	کنار	♀ Šušān	شوشان
	چنگ.		سوسن.
♀ Knāriḡk	کناریک	♀ Šoqer	شوقر
	چنگ کوچک.		درخشان.
♂ Gkoriyun	کورئون		

♂ Žirāir	ژیرایر		
	مرد فعال		
<b>ز</b>			
		♂ Zārmigk	زارمیک
			همخون، فامیل.
		♀ Zārmuhi	زارموهی
			مؤنث زارمیک.
<b>س</b>			
♀ Sātenigk	ساتنیک		
	از قدسین مسیحی.		
♂ Sāro	سارو	♂ Zāreh	زاره
	کوه‌نشین.		نام آرژنگ. برگرفته از تأثیر ادب پارسی در توبان ارمن.
♂ Sāsun	ساسون	♀ Zāriḡk	زاریک
	ایالتی در ارمنستان.		زری.
♂ Sebpuh	سبوه		زاقیک، زاقگوش
	نجیب‌زاده.		
♀ Sedā	سدا	♀ Dzāḡigk, Dzāqquš	گل.
	(همسر کشیش) قهرمان یکی از داستانهای ارمنی به نام خدایان قدیم.		
♂ Sevdā	سوادا	♂ Zāven	زاون
	سیاه.		باری دهنده.
♀ Sevān	سوان	♂ Zurigk	زوریک
	دریاچه‌ای در ارمنستان.		قدرتمند.
♂ Sevāḡk	سواک	♀ Zovinār	زورینار
	سیاه چشم.		صدای دریا.
♂ Suren	سورن	♀ Zepir	زپیر
	شمشیر برنده.		نسیم.
♀ Sirārpi	سیرآرپی		
	خورشید عشق.		
♀ Sirān	سیران	♂ Žorž	ژرژ
	دوست داشتنی.		همان گیورک Gevork. (ریشه یونانی دارد).

♂ Mate'os	ماتئوس	لوئا - از حواریون حضرت مسیح و یکی از چهار روایت کننده حضرت مسیح.
♂ Mexāgk	مخاک	شیرمرد.
♀ Mexitār	مخیتار	لیدا
♂ Mārḡos	مرفس	برگرفته از نام کشور قدیمی لیدیا.
♂ Mesrob	مسروب	م
♀ Meqedi	مغدی	ماردیروس
♂ Meqrīgk	مقریک	شهید راه حق.
♂ Megkerdtič	مکرتیچ	ماردیک
♂ Melkon	ملکون	رزم آور.
♂ Melik	ملیک	مارکار
♂ Murād	موراد	مخفف مارکاره = پیغمبر.
♂ Mušeq	موشیق	مارکارید
♂ Momīgk	مومیک	ماریام
		مریم.
		ماسیس
		سلسله کوهی است که قله آن آرات است.
		ماگار
		خوشبخت.
		مانوک
		نوزاد.
		مانیشاک
		بنفشه.

♂ Gequhi	گفوهی	مرد زیبا.
♂ Gevork	گوزک	دختر زیبا.
♂ Gurgēn	گورگین	بزرگر، و نیز از قدسین مسیحی. برگرفته شده از واژه یونانی گورجیس. Gevrogis
♂ Gkomidtās	گومیداس	مثل گرگ جسور.
♀ Gohār	گوهار	ستاره دنباله دار، نامی که ریشه یونانی دارد و روحانیون ارمنی بر خود می گذاشته اند. نیز نام سرغومون سرغومریان آهنگساز نامدار و معاصر ارامنه.
♂ Giyudt	گیودت	گوهار
		گوهر.
		گیودت
		ابداع.
		گدریچ
		تیز، برنده، رزمنده.
♀ Lāfā	لافا	گریگور
		از واژه گریگوریس به معنی بیدار.
♀ Lerrnīgk	لرنیک	گیگام
		زیبا.
♀ Lorigk	لوریک	گیگانش
		الاهة هنر.
♀ Lusīn, Lusine	لوسین، لوسینه	گیگانی
		زیبا، قشنگ.
♂ Lukās	لوکاس	گیگایر

♂ Nāvāsārt	ناواسارت	♂ Mher	مهر
	سال نو باستانی ارامنه، نوروز.		از اساطیر ارمی. مهر.
♂ Nāhābpedt	ناهابت	♂ Mirānuš	میرانوش
	بزرگ قوم.		میر (= مهر). مهرشیرین.
♀ Nāyiri	ناییری	♂ Mirdtadt	میرداد
	نام قدیم کشور ارمنستان.		میرداد.
♀ Nāyirik	ناییریک	♂ Miro	میرو
	بانو.		از اساطیر ارمی.
♂ Nždeh	نژده	♀ Miqānuš	میگانوش
	غریب، مهاجر. گارگین نژده (Gāregin Nždeh) قهرمان جنگهای ارمنستان در اوایل قرن بیستم.		ظریف، شیرین.
♂ Nšān	نشان	♂ Minās	میناس
	رد، نشان.		ماه، از قدسین.
♀ Nvārt	نوارت		
	هدیه.		
♂ Norāyr	نورایر	♂ Nārbeh	ناریه
	مرد زمانه.		روحانی مشهور.
♀ Norvārt	نوروارت	♂ Nāreqk	نارک
	گل نو شکفته.		از خدمتگزاران فرهنگ ارمی.
♂ Norvān	نوروان	♀ Nārine	نارینه
	نور تازه، و نیز شهری در ترکیه به همین نام.		ظریف.
♂ Noriqk	نوریک	♀ Nāzeni	نازنی
	مخفف نورایر.		با ناز.
♀ Nune	نونه	♀ Nāzigk	نازیک
	پاک.		نازی.
		♀ Nānor, Nānār	نانور، نانار
			نام آوازی متداول در میان ارامنه.

## ن

		♂ Vāče, Vāčigk	واچه، واچیک
	سپر جنگی.		فرزند خردسال.
♂ Vāhrām	واهرام	♂ Vārt	وارت
	بهرام، آتشی مقدس در زبان پهلوی.		گل.
♂ Vāhe	واهه	♀ Vārdtgkes	وارتکس
	بهتر.		کسی که موهای او مانند گل سرخ است. (وارت = گل سرخ و کس = گیسو).
♂ Vrām	ورام	♀ Vārtēni	وارتنی
	از شاهان ارمنستان.		بوته گل.
♂ Vrež	ورژ	♀ Vārtuš	وارتوش
	عدالت خواه.		گل سرخ ظریف.
♀ Vrežuhi	ورژوهی	♀ Vārtiter	وارتیتر
	موت و ورژ.		گلبرگ.
♀ Vosgketel	وسگتیل	♂ Vārtān	وارطان
	نخ طلائی، زری.		از اسطوره‌های مقبول ارامنه. ریشه پهلوی دارد، از قرن پنجم بین ارامنه متداول است.
♀ Vosgkedzām	وسگدزآم	♂ Vāružān	واروژان
	مو طلائی.		کیوتر نر.
♀ Vosgki	وسگی	♂ Vāzgen	وازگن
	طلا.		دونده.
♀ Vehānuš	وهانوش	♀ Vānuš	وانوش
	والامقام.		دریاچه وان، از سبیلهای تاریخی ارامنه.
♂ Vigen	ویگن	♂ Vāhāgen	واهاگن
	پیروزمند.		پیروز، خدای اسطوره‌ای آتش و رزم.
		♂ Vāhān	واهان
			هاشمیک

خوشبخت.

♂ Yervānd	پرواند
	دلّاور، چالاک.
♂ Yeznigk	یزنیک
	گاو نر کوچک.
♂ Hovhānes	یوحنا (هوهانس)
	از حواریون حضرت مسیح و یکی از چهار روایت کننده انجیل شریف. (John the Baptist)

♂ Hrānd	هراند	♂ Hāgkop	هاگکوپ
	چشم آتشین.		ارمنی شده یعقوب است.
♀ Hrānuš	هرانوش	♂ Hāgkint	هاگینت
	آتش آنجاست.		باقوت.
♂ Hrāhādt	هراهد	♂ Hāmāzās	هامازاسب
	دختر آتش.		کسی که اسبهای فراوان دارد.
♂ Hrāyr	هرایر	♂ Hāmārtsum	هامبارتسوم
	نگه‌ای از آتش.		عروج عیسی مسیح.
♂ Heros	هروس	♀ Hāveržigk	هاورژیک
	مرد آتش.		ابدیت.
♂ Hemāyāk	همایاک	♂ Hāyduk	هایدوک
	قهرمان، و نیز نام خدایی باستانی.		فدایی.
♀ Hurdzām	هوردزام	♂ Hāirāpet	هایرپت
	آنکه چشمهای قشنگی دارد.		بزرگترین پیشوای مذهب کلیسای ارمنی.
♀ Hurigk	هوریک	♂ Hāyrigk	هایریک
	دارای موهای آتشین.		پدر.
♂ Hovsep	هوسپ	♂ Hāygk	هایگ
	آتش کوچک.		جد نخستین ارامنه.
	همان یوسف است.	♂ Hāygekāz	هایگاز
			از نسل هایگ.
			هایکوهی، هایکوش
♂ Yeprem	یپرم	♀ Hāyguhi, Hayguš	موتث هایگ.
	نمربخش.		هایکاک
♀ Yerānuhi	یرانوھی	♂ Hāygekāgk	ایرمنستان.
	کسی که به او غبطه می‌خورند.		هراج
♀ Yerjānigk	یرجانیک	♂ Hrāč	

## عطر گلپای محمدی، گزینه اسماء قرآن کریم

«اسلام» دین مسلمانان است و «قرآن» کتاب مقدس آنان که از طرف خداوند بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. قرآن به زبان عربی است و به نامهای دیگری مانند «کلام الله»، «نور»، «ذکر» و «فرقان» نیز شناخته می‌شود و به اعتبار آنکه پس از رحلت حضرت رسول (ص) گردآوری و نوشته شده، «مصحف» نیز نام دارد. اغلب ایرانیان پس از گرویدن به دین اسلام برای نهادن نامی بر نوزاد خود از اسمهایی که در قرآن آمده یا به پیغمبران و امامان منسوب بوده است، بهره جسته‌اند. رسم بر این بوده که والدین معمولاً برای دستیابی به نامهای قرآنی، با احترام قرآن را گشوده و از آیه‌ای که در برابرشان ظاهر می‌شد، الهام می‌گرفتند.

نام و تاریخ ولادت نوزاد بر پشت جلد قرآن مجید ثبت می‌شد. اکنون نیز، با وجود شناسنامه، نوشتن نام بر قرآن مجید برای تبرک و خوش یمنی همچنان در بسیاری از خانواده‌ها مرسوم است. آیین نامگذاری در روز ششم انجام می‌شود چرا که بنابه اعتقاد مسلمانان به کتاب آسمانی‌شان، با استناد سوره مبارک «حدید» آیه چهاردهم، خداوند از زبان پیامبرش می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...»  
(اوست خدایی که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید و آنگاه به

تدبیر عرش پرداخت.)

این مراسم که در حلیة المتقین برای عموم مسلمین بویژه خانواده‌ای

مستطیع آمده است، با عقیقه کردن گوسفندی برای سلامتی نوزاد انجام می‌شود.

رسم بر این است که پس از بردن مادر و نوزاد به حمام، در حضور اقوام عقیقه کردن شتر، گاو یا گوسفند و تقسیم گوشت آن بین فقرا انجام می‌شود. پدر و مادر از گوشت حیوان ذبح شده نمی‌خورند و غذای آماده شده که اغلب به صورت آبگوشت یخنی است، باید توسط افراد پاک‌نهاد و مستمند خورده شود. قسمتی از گوشت (ران راست) همراه با هدایای دیگر به مامای نوزاد داده می‌شود. سپس استخوانها را به آب روان سپرده یا در باغچه منزل دفن می‌کنند، بنابراین عقیده که گزندی به فرزندشان نرسد.

در بعضی خانواده‌ها مرسوم است که موی طفل را تا هفت سالگی کوتاه نکنند تا برای دور بودن از چشم زخم و بلایا، هموزن آن طلا یا نقره بین مستمندان تقسیم کنند، یا او را با نامهایی مانند گدا علی، خدایار، نظر علی و جان محمد (برای پسران)، به معنای نیازمند و منسوب به درگاه ائمه (ع) بنامند.

در لرستان نیز بسیاری از پدران براین باورند که اضافه کردن عنوان «صید» به نام پیامبران و امامان، موجب پایداری فرزندانشان می‌شود، همچون: صدموسی، صد عیسی، صد علی، صد حسین، صدرضا و الخ.

گفته شده است که مسلمانان را در آغاز قرن دوم هجری قمری، رسم این بوده که روزی بین بیستم تا چهارم بعد از تولد، تنی چند از بستگان، به عنوان والدین خوانده، نوزاد را برای نامگذاری و مسلمان شدن، به مسجد می‌بردند. روحانی مسجد، طفل را در تشت آبی غسل می‌داد و با شهادت حاضران، وی را به پذیرش دین اسلام دعوت و نامگذاری می‌کرد.

♂ Ehsān	احسان		
	نیکی، بخشش.		
♂ Ahsan	احسن		
	نیکوتر.		
♂ Ahmad	احمد	♂ Ādam	آدم
	ستوده‌تر، بسیار ستوده، از نامهای پیامبر اسلام.		نخستین بشری که خدا آفرید.
♂ Ehyā	احیاء	♂ Āzar	آزر
	زنده کردن، آباد کردن زمین.		نام پدر ابراهیم خلیل است.
♂ Edris	ادریس	♀ Āfāq	آفاق
	درس خوانده. پیغمبری که نامش دو بار در قرآن آمده. او را مخترع لباس و قلم و نویسندگی می‌دانند و بیشتر علوم را به او منصوب می‌کنند.		جمع افق.
♀ Eram	ارم	♀ Āmāl	آمال
	باغ یا قصر معروف پادشاه قوم عاد. مجازاً به معنی بهشت.		آرزوها.
♂ Eshāq	اسحاق (اسحق)	○ Āmin	آمین
	پسر ابراهیم از همسرش ساره.		چنین باشد.
♂ Eslām	اسلام	♀ Āyat	آیت (آیه)
	تسلیم شدن، دین پیروان قرآن، دین، دین حنیف.		نشان، علامت.
♂ Esmāiil	اسماعیل (اسمعیل)	♀ Āyeh	آیه
	پسر ابراهیم از همسرش هاجر.		جمله در قرآن، نشانه کوچک.
○ Ešrāq	اشراق		
	تاییدن و نیز به معنی بامداد.		
♂ Asqar	اصغر	♂ Ebrāhim	ابراهیم
	کوچکتر.		پیامبر خدا، ملقب به خلیل الله (دوست خدا)، پدر اسماعیل.
○ Asil	اصیل	♂ Abkār	آبکار
			بامداد.
		♂ Ahad	آحد
			یکتا، یگانه.

♂ Bāset	باسط	♀ A'zam	اعظم
♂ Badr	بدر	♀ Ofoq	افق
♂ Borhān	برهان	♂ Akbar	اکبر
♀ Bošrā	بُشری	♂ Ekrām	اکرام
♂ Bašir	بشیر	♀ Akram	اکرم
♂ Basir	بصیر	♂ Elyās	الیاس
♀ Bokrat	بکرت (بکرة)	♂ Elyasa', Yasa'	الیسع، یسع
♂ Baliq	بلیغ	♂ Amin	امین
♀ Bahjat	بِهجت	♀ Imān	ایمان
♂ Ayyub	ایوب	♂ Ayyub	ایوب
♀ Tabassom	تبسم		
♀ Tasnim	تسنیم	♂ Bāzeq	بازغ

## ب

♂ Jalāl	جلال	♀ Tamannā	تمنی
♂ Jamāl	جمال	♂ Towhid	توحید
♂ Jamil	جمیل	♂ Tavassol	توئسل
♀ Jannat	جنت	♂ Tavakkol	توکل
♂ Hāfez	حافظ	♂ Sābet	ثابت
♂ Hāmed	حامد	♂ Sāqeb	ثاقب
♂ Habib	حبیب	♂ Samar (Samare)	ثمر (ثمره)
♂ Hojjat	حجت		
♀ Hadis	حدیث	♂ Jāhed	جاهد
♂ Horr	خر	♂ Jabbār	جبار
♀ Hesān	حسن	♂ Jebra'il	جبرئیل، جبرئیل
♀ Hosnā	حسنی		

## ث

## ج

## ح

## ت

♀ Hayāt	حیات	♀ Hosniye	حُسنیه
	زندگانی، زندگی	♂ Hasib	حَسِیب
			حساب کننده، والاگهر، بزرگوار، نجیب زاده.
♂ Xāled	خالد	♂ Hafiz	حَفِیظ
	جاوید، پاینده.	○ Hekmat	حکمت
♂ Xabir	خبیر		خرد، بینش، دانش، بردباری.
	آگاه، باخبر. از نامهای خدا.	♂ Hakim	حکیم
♂ Xalil	خلیل		دانشمند، فیلسوف، پزشک، خردمند.
	دوست مهربان و صاف و پاک. لقب ابراهیم پیامبر.	♂ Halim	حَلِیم
			بردبار، شکیبا.
♀ Dorri	دُرّی	♂ Hamid	حمید
	صفت نسبی از درّه، به معنای مانند درّه، درخشان، روشن. در قرآن تنها یک بار به صورت صفت به کار رفته است.	♂ Hanan	حنان
			مهربانی، رحمت، شفقت.
♂ Dāvud	داوود	♂ Hanif	حنیف
	از ریشهٔ عبری به معنای (محبوب)، جوانترین پسر یسّا، جانشین شاول Saul، کشندهٔ جالوت در نبرد فلسطینیان و یکی از قهرمانان ملی یهودیان. گفته می‌شود که داوود آوازی خوش داشته و بریط را نیکو می‌نواخته است. مجموعهٔ سرودها و نیایشهای او در تورات آمده است.	♀ Havvā	حوّا
			همسر آدم.
♀ Donyā	دنیا	♀ Huri	حوری
	جهان.		زن سیاه چشم، زن بهشتی. مأخوذ از کلمهٔ حور به معنی زنان سیاه چشم (مفرد آن احور است).
		♀ Haiā'	حیاء

خ

د

♂ Rašid	رَشِید	♂ Zāker	ذاکر
	راه راست رفتن، از گمراهی بیرون آمدن، رستگاری، هدایت.		یادکننده، یادآورنده، آن که ذکر خدا کند.
○ Rezvān	رِضْوَان	♂ Zāheb	ذاهب
	خشنودی، بهشت.		رونده، گذرنده.
♂ Razi	رَظِی	♂ Zonnun	ذوالنون
	مرد خشنود.		گرفتار ماهی، لقب یونس پیامبر.
♂ Rafi'	رَفِیع		
	بلند، بلندمرتبه.		
♂ Ramazān	رَمَضان	♀ Rābiye	رایبه
	نهمین ماه قمری. ریشهٔ لغت به معنی لاغرشدن و تحلیل رفتن است.		(مؤنث رابی) به معنای برآمده، سرزمین بلند.
♀ Ro'yā	رَوِیّا	♀ Rāziye	راضیه
	آنچه انسان در خواب ببیند.		(مؤنث راضی) به معنای خشنود، خرسند، خوشدل.
♀ Reyhān	رِیحَان	♂ Rahmān	رحمان
	گل و گیاه خوشبو، رُستنی معطر، بوی خوش.		مهربان، بخشاینده، از نامهای خداوند.
		♂ Rahmat	رحمت
			مهربانی کردن، بخشودن.
♂ Zabur	زَبُور	♂ Rahim	رحیم
	نوشته، کتاب، کتاب داوود پیامبر، که مجموعهٔ سرودهای اوست و در عهد عتیق از کتاب مقدس آمده است.		مهربان، بخشاینده.
		♂ Razzāq	رَزّاق
			بسیار روزی دهنده.
♂ Za'im	زَعِیم	♂ Rasul	رسول
	ضامن، پیشوا، مهتر.		فرستاده، پیک، پیغمبر.
♂ Zakariyyā	زَکَرِیّا	♂ Rašād	رَشاد
	نام پدر یحیی (یوحنا)، در قرآن از او به		

ذ

ر

ز

♀ Šams	شمس	♀ Simā	سیما
	خورشید، نور خورشید، آفتاب.		نشانه، علامت، چهره.
♀ Šurā	شورا	♂ Sinā	سینا
	مشورت، رایزنی.		نام کوهی است.
♂ Šehāb	شهاب	ش	
	شعله، شعله آتش، ستاره فروزان و گذرنده.		
		♂ Šāfe'	شافع
			شفاعت کننده.
♂ Sāber	صابر	♂ Šāker	شاکر
	بردار، شکیبا، از نام‌های خداوند.		سپاسگزار، شکرکننده.
♂ Sādeq	صادق	♂ Šāhed	شاهد
	راستگو، راست و درست.		مشاهده کننده، گواه، حاضر.
♂ Sāleh	صالح	♀ Šari'at	شریعت
	نیک، نیکوکار، شایسته. پیامبری که او را از فرزندان سام بن نوح نوشته‌اند. در قرآن آمده است که وی بر قوم ثمود مبعوث شد.		آیین، دین، روش، راه، چشمه، آبگیر.
♀ Sabāh	صبح	♂ Šo'ayb	شعیب
	بامداد، صبح.		پیامبری از تبار ابراهیم خلیل.
♂ Sabur	صبور	♂ Šefā	شفاء
	بردار، حکیم.		درمان.
♂ Seddiq	صدیق	♂ Šafaq	شفق
	بسیار راستگو، لقب یوسف پیامبر.		سرخ‌افق پس از غروب آفتاب.
♂ Sadiq	صدیق	♂ Šafi'	شفیع
	دوست، دوست راستین.		شفاعت کننده.
♀ Seddiqe	صدیقه	♀ Še'rā	شعری
			نام ستاره‌ای است.
		♂ Šakur	شکور
			بسیار سپاسگزار، بسیار شکرکننده، از نام‌های خدا.

## ص

♀ Sorur	سرور		عنوان کفیل مریم یاد شده است. وی را پیغمبر نیز دانسته‌اند.
♀ Zakiyye	زکّیه		(مؤنث زگی) پاک، پاکیزه، پارسا.
♂ Sa'id	سعید	♀ Zamzam	زمزم
	نیک بخت، سعادت‌مند.		نام چشمه‌ای در بهشت.
♀ Sakine (Sokayne)	سکینه	♂ Zeyd	زید
	آرام، آرامش، آنچه دل را اطمینان بخشد.		پسر حارثه، پسرخوانده و صحابی پیغمبر اسلام، برده‌ای بود که از سوی خدیجه به پیغمبر هدیه شده بود، اما حضرت او را آزاد کرد و به فرزندی پذیرفت.
♂ Salām	سلام	♀ Zinat	زینت
	درود گفتن، تسلیم شدن، تدرستی، صلح، امنیت و امان.		زیور، پیرایه، آنچه که بدان آرایش کنند.
♂ Salsabil	سلسبیل		
	چشمه‌ای در بهشت.	♂ Salim	سلیم
			درست، سالم، مطیع.
♂ Soleymān	سُلیمان	♂ Sājed	ساجد
	پُرمان و سلامت، فرزند داوود نبی.		سجده کننده، فروتن.
♂ Samā	سما	♂ Sāmer	سامر
	آسمان، هر آنچه بالای سر انسان باشد و انسان در سایه آن درآید، مانند سقف و ابر و درخت.		افسانه گو، داستان سرا.
♀ Sanā	سنا	♂ Sobhān	سُبْحان
	روشنایی، فروغ، بلندی.		پاکیزه کردن، به پاکی یاد کردن خدا.
♀ Sonbol	سنبل	♂ Sahāb	سحاب
	خوشه، خوشه گندم و جو و جز اینها.		ابر.
♀ Sonbolah	سنبله	♀ Sahar	سحر
	یک خوشه گندم یا جو و مانند آن. (در زبان فارسی سنبله Sonbole تلفظ می‌شود.)		سپیده دم.
		♂ Serāj	سراج
			چراغ.
		♂ Sarmad	سرمَد

## س

♂ Tahur	<b>طهور</b>	مؤنث صدیق.
♀ Sanam	پاک کننده.	صنم
♂ Tayyeb	<b>طیب</b>	بت، ربالنوع، دلبر. در قرآن همه جا جمع آن (اصنام) بکاررفته است.
♀ Tayyibe	پاک، پاکیزه.	<b>ضی</b>
	مؤنث طیب.	<b>ضیاء</b>
		♂ Ziyā
		نور، روشنایی.
	<b>ظ</b>	
♂ Zāher	<b>ظاهر</b>	
	پیدا، آشکار.	<b>طارق</b>
♂ Zahir	<b>ظہیر</b>	پیداشونده در شب، آنکه در شب راه رود، ستاره صبح. میهمانی که شب وارد شود.
	یار، یاور، پشتیبان.	<b>طالب</b>
		♂ Tāleb
		خواستار، خواهان، جوینده.
♂ 'Ābed	<b>عابد</b>	<b>طالوت</b>
	پرستنده، پرستش کننده، عبادت کننده.	نخستین پادشاه یهود، به عبری شاول به معنای «مطلوب».
♂ 'Āsem	<b>عاصم</b>	<b>طائر</b>
	نگاه دارنده، حافظ، پناهگاه.	♂ Tā'er
♀ 'Ālam	<b>عالم</b>	پرنده، پرواز کننده، مطلق مرغ.
	جهان، نشانه.	<b>طرفه</b>
♀ 'Āliye	<b>عالیه</b>	♀ Tarfe
	مؤنث عالی، بلند، بلندمرتبه، شریف، بزرگ.	چشم به هم زدن.
♀ Ezzat	<b>عزت</b>	♀ Tolu'
	ارجمندی، سرافرازی، قدرت.	بر آمدن آفتاب و ستارگان، دمیدن.
♂ 'Ozair	<b>عزیز</b>	♀ Tubā
	نام پیامبری است که او را پسر خدا	خوبی، شادی، خوشی، نام درختی در بهشت، خوشا بر احوال...

		خوانده اند.
♂ Qani	<b>عَنی</b>	عزیز
	♀ 'Aziz	گرامی، ارجمند، محبوب، صاحب قدرت و سلطت، از صفات خدا.
	<b>ف</b>	
♂ Ferdos	<b>فردوس</b>	عسل
	♀ 'Asal	انگبین، شهد.
Pardis	باغ بهشت، (فارسی آن پردیس است.)	<b>عطاء</b>
	♂ 'Atā	بخشش، بخشیدن، انعام.
♂ Falaq	<b>فَلَق</b>	<b>عظیم</b>
	سرخی افق پیش از طلوع آفتاب، سپیده دم، بامداد.	بزرگ، کلان والمرتبه.
♂ Fo'ād	<b>فُوَاد</b>	<b>عماد</b>
	دل، قلب.	آنچه که بدان تکیه کنند، تکیه گاه، بنای مرتفع.
		<b>عمران</b>
		در قرآن و روایات اسلامی نام پدر مریم و نیز نام پدر موسی.
	<b>ق</b>	<b>عیسی</b>
♂ Qāder	<b>قادر</b>	عیسی مسیح یا عیسی ابن مریم، ملقب به روح الله، پیامبر مسیحیان، اگر انتساب نام وی به واژه عبری «یوشع» درست باشد، عیسی به معنی «نجات دهنده» خواهد بود.
♂ Qārun	<b>قارون</b>	
	مردی است صاحب گنج که در ثروت ضرب المثل شده است.	<b>غ</b>
♂ Qāsed	<b>قاصد</b>	<b>غفار</b>
	در قرآن تنها یک بار، آن هم به معنی آسان، نزدیک و هموار به کاررفته است. در فارسی به معنی قصد کننده، پیک و فرستاده متداولتر است.	بسیار آمرزنده، از نامها و صفات پروردگار.
♂ Qāher	<b>قاهر</b>	<b>غفور</b>
	غالب، چیره.	آمرزنده گناه، از نامها و صفات خدا.
♂ Qadir	<b>قدیر</b>	<b>عمام</b>
		♀ Qamām



♂ Mowlā	مولا	♂ Mosaffā	مُصَفَّآ
	سرور، آقا، دوست.		بالوده، تصفیه شده، صاف شده.
♂ Mawlud	مَوْلُود	♂ Mosleh	مُصْلِح
	زاده شده، پدید آمده.		اصلاح کننده، آشتی دهنده، نیکوکار.
♂ Misāq	مِیثَاق	♂ Motahhar	مُطَهَّر
	عهده، پیمان.		پاک شده، تطهیر شده.
♂ Mi'ād	مِیْعَاد	♂ Mo'in	مُعِین
	وعده گاه، زمان یا مکان دیدار.		یاری کننده.
♂ Mikāiil	مِیْکَائِیل	♂ Maftun	مَفْتُون
	یکی از چهار فرشته مقرب که کارش تعلیم است.		مجنون و شیدا.
♂ Mo'men	مُؤْمِن	♂ Moqtader	مُقْتَدِر
	ایمان آورده، بالیمان، باور آورنده.		قادر، دارای قدرت.
		○ Moqaddas	مُقَدَّس
			پاک، پاکیزه، منزّه، پارسا.
		♀ Malak	مَلَك
			فرشته.
♂ Nāsch	نَاصِح	♀ Monā	مُنَى
	نصیحت کننده، اندرز دهنده، دلسوز، خیرخواه.		آرزو.
♂ Nāser	نَاصِر	♂ Mansur	مَنْصُور
	یاری کننده، یاور، مددکار، از نامهای خدا.		یاری شده، نصرت داده شده.
♂ Nāzer	نَازِر	♂ Menhāj	مِنْهَاج
	نظر کننده، نگرنده، بیننده.		راه آشکار، راه روشن.
♀ Nabāt	نَبَات	○ Mowj	مَوْج
	رستنی، گیاه.		حرکت متناوب پایین و بالا رفتن ذرات و اجسام.
♂ Nabi	نَبِی	♂ Musā	مُوسَى
	رسول، آورنده خبر.		پیامبر ملت یهود.

♂ Na'im	نَعِیم	♀ Nejtāt	نَجَات
	نعمت.		رهایی یافتن، رستن، زهیدن، رهایی.
♂ Naqib	نَقِیب	♂ Najd	نَجْد
	مہتر قوم، سرپرست گروه.		جای بلند، زمین مرتفع، پشته.
♂ Nuh	نُوح	♂ Najm	نَجْم
	نام یکی از پیامبران اولوالعزم، توفان و کشتی مشهور نوح منسوب به او است.		ستاره، اختر، کوکب.
○ Nur	نُور	♀ Najvā	نَجْوَا
	روشنایی، فروغ.		گفتگوی در گوشه، مجازاً راز و نیاز.
		♂ Naxil	نَخِیل
			درخت خرما، نخل و نیز درختان خرما.
		♀ Nedā	نِدَاء
			آواز دادن و صدا کردن.
♂ Vāhed	وَاحِد	♂ Nasr	نَصْر
	یگانه، یک.		یاری کردن، یاری دادن، یاری.
♂ Vāse'	وَاسِع	♂ Nasuh	نَصُوح
	فراخ، گشاد، پهناور، از نامها و صفات خدا.		خالص، راست و درست، نصوح را برابر ناصح (پنددهنده) نیز معنا کرده اند. در روایات اسلامی نام شخصی است که از گناهی توبه کرد و دیگر بدان گناه بازنگشت.
♂ Vā'ez	وَاعِظ		
	پنددهنده، اندرزگوی، وعظ کننده.		
♂ Vāled	وَالد	♂ Nasib	نَصِیب
	پدر.		بهره، سهم، حصه.
♂ Vajih	وَاجِیه	♂ Nasir	نَصِیر
	صاحب جاه و قدر، مہتر قوم، زیبا. (مؤنث این کلمه، وجیهه Vajihe، نیز برای نام زن بکار می‌رود.)		یاری کننده، مددکار، یار.
♂ Vahid	وَاحِد	♂ Nazar	نَظَر
	تنها، یگانه، منفرد.		نگاه کردن، نگرستن.
♀ Vardah	وَرْدَه	♂ Ne'mat	نِعْمَت
	گل سرخ، زعفران، شکوفه هر درخت.		روزی، مایه فراخی و شادکامی زندگی.

و

ن

♀ Hodā	هُدَى	اصل این واژه فارسی است.
♀ Vefāq	وفاق	همراهی کردن، یکدلی کردن، همراهی و یکدلی.
♀ Hediyye	هدیه	ارمان، تحفه، پیشکش.
♂ Hud	هود	کسی که کاری به او واگذار می‌شود، کارگزار، مباحثه از نامهای خدا به معنی روزی دهنده.
♂ Valii	ولی	دوست صدیق، یار، کفیل زندگی، حافظ، عهده‌دار کار.
♀ Yāqut	یاقوت	از سنگهای گرانبها.
♂ Yasreb	یثرب	نام قدیمی شهر مدینه، از شهرهای عمده کشور عربستان.
♂ Yahyā	یحیی	در قرآن نام پسر زکریا گفته شده است.
♂ Ya'qub	یعقوب	پسر اسحاق پیغمبر و پدر یوسف.
♂ Yamin	یمین	راستی.
♂ Yusof	یوسف	پسر یعقوب، ضرب‌المثل زیبایی.
♂ Yunes	یونس	پیامبری از بنی اسرائیل ملقب به «ذوالنون».
♀ Hājar	هاجر	همسر حضرت ابراهیم.
♂ Hādi	هادی	هدایت کننده، راهنما، راهبر، از نامهای خدا.
♂ Hārun	هارون	برادر موسی.
♂ Hāmān	هامان	وزیر فرعون.
♂ Hedāyat	هدایت (هدایة)	رهبری.

## یادی از نام‌آوران تاریخ

هر زمانی که دورانی بر آن بگذرد، آن را تاریخ می‌نامیم. ما نیز چه با نام و چه بی‌نشان، پس از سپری شدن روزگارمان به تاریخ خواهیم پیوست.

آدمی قادر است که این گذر را توسط نیروی فکری خود ضبط نماید.

قسمتی از ساختمان مغزی انسان به ضبط اتفاقات و قسمتی دیگر به یادآوری آنچه روی داده است مربوط می‌باشد. چنانچه این توانایی از ابتدای آفرینش در انسان نمی‌بود و یا بر اثر نوعی بیماری مثل فراموشی از او گرفته شود، شناخت نسبت به افراد، مکان، مناظر و پدیده‌ها از بین می‌رود و رابطه عاطفی ما با جهان پیرامون گسسته می‌شود و چون نیمی از لذات آدمی بر مبنای خاطرات است، زندگی معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد. چه شیرین است خاطرات گذشته و حتی فکر کردن در مورد عزیزان از دست رفته‌ای که روزی آنها را داشتیم.

بخش مهمی از زندگی و تکامل آن، برپایه میراث علمی، تجربی، فرهنگی و هنری گذشتگان ماست. وجود کتب و شواهد عینی و آثار باستانی، ما را قادر می‌سازد که به گذشته‌های دور دست یابیم. هرچند با گذشت زمان و سینه به سینه گشتن رویدادها و حوادث، حوادث رنگ دیگری به خود می‌گیرند و به صورت نیمه‌افسانه درمی‌آیند. اگرچه افسانه‌ها نیز خود از حقایق زندگی به دور نیستند.